

بررسی نقش و جایگاه زنان در ترانه‌های بختیاری

عباس قنبری عُدیوی^۱؛ الیاس قادری^۲

چکیده

ترانه یکی از پرکاربردترین گونه‌های ادبیات شفاهی و عامه بختیاری است. در فرهنگ و ادبیات بختیاری حضور انسان در مفهوم فردی و اجتماعی در متون ترانه نقش پررنگی دارد که در این میان نقش زنان بسیار برجسته و حائز اهمیت است. در نوشتار حاضر به نقش زن در ترانه‌های بختیاری بصورت ویژه پرداخته شده است. در ساختار کلی ترانه‌ها به هشت دسته اصلی تقسیم شده‌اند. شیوه بررسی متنها توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر گردآوری و پژوهش میدانی است. زن بختیاری، در غالب موارد خود سازنده ترانه، گوینده و سراینده آن است و در مراحل زندگی متناسب با کاری که انجام میدهد مضامین ابزار و اهداف خود را در قالب ترانه بیان میکند. در عین حال در این پژوهش به ترانه‌هایی برخورد شد که ساخته و پرداخته زنان نیست، بلکه وصف آنان از زبان مردان است.

کلید واژگان: ادبیات عامه؛ بختیاری؛ ترانه؛ زن بختیاری

۱. استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان (نویسنده مسئول)؛ odivi46@yahoo.com

۲. کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فرهنگیان؛ elyasghadery@yahoo.com

مقدمه

«ترانه» یکی از گونه‌های ادبی است که از لحاظ تقسیم‌بندی میتوان آن را جزء گونه شفاهی و غیر رسمی بشمار آورد. یکی از علتهایی که ترانه را جزء نوع غیررسمی بحساب می‌آورند این است که این نوع ادبی بیشتر در میان عوام و مردم عادی رواج دارد و کاربرد آن در میان طبقه‌های فرهنگی و باسواد جامعه کم و محدود است؛ چرا که این گروه خاص معتقدند زبان ترانه سست و سبک است و از نظر ادبی ارزش زیادی ندارد، اما بمرور زمان توجه به این نوع ادبی، بیشتر شده است تا اینکه بسیاری از آنها به مرحله چاپ رسیده و شکل کتاب به خود گرفته است، حتی شاعران بزرگی چون باباطاهر، سعدی، حافظ، شهریار و... نیز در ترانه و زبان محلی خود شعر سروده‌اند. سراینده ترانه‌ها همواره افراد گمنام و بی‌سواد جامعه بوده‌اند و سبب ماندگار شدن ترانه‌هایشان انتقال از طریق زبان به زبان و سینه به سینه بوده است تا اینکه به دیگر نسلها رسیده و در نوع و شیوه زندگی افراد جامعه تأثیر زیادی داشته است؛ بطوری که مردم عامه برای انجام بسیاری از کارهای روزمره خود ترانه خاصی میسرایند.

قوم بختیاری یکی از اقوام قدیمی ایران و دارای ادبیات و فرهنگ غنی در حوزه فولکلور است. خاستگاه و زیستگاه این مردم در اطراف رشته‌کوه زاگرس (میانی) و استانهای جنوب غربی ایران است. بختیارها اغلب در گذشته عشایر و کوچرو بوده‌اند ولی بسبب تغییرات اساسی در زندگی مردم، بویژه دو سده اخیر، هم‌اکنون به سه صورت شهری، روستایی و کمی هم عشایری زندگی میکنند. عشایر بختیاری به زندگی دامداری و کشاورزی مشغولند. فرهنگ و ادب غنی این قوم بیشتر به زبان شفاهی و غیرمکتوب است که بر سر زبان مردم روستاها و عشایر جاری است. در فرهنگ این قوم زنان همپای مردان در کارها شرکت میکنند. مردم کوچگر و روستانشین بختیاری به ساختارهای ادب عامه از جمله ترانه، قصه، چیستان، ضرب‌المثل و... اقبال دارند. زنان در گونه ادبی ترانه جایگاه مشخص و سازنده‌یی دارند که در نوشتار حاضر بدان پرداخته خواهد شد.

پیشینه تحقیق

- ۱- کاظم پوره، موسیقی و ترانه‌های بختیاری، ۱۳۸۱.
- در کتاب مذکور، مؤلف به جمع‌آوری بسیاری از ترانه‌های شفاهی بختیاری اقدام کرده و دسته‌بندی‌هایی نیز انجام داده است، اما به جایگاه و نقش زن در آن ترانه‌ها اشاره‌یی نکرده است.
- ۲- عباس قنبری عدیوی، گفت و لغت، ۱۳۸۵.

در این کتاب به فرهنگ و ادبیات فولکلوریک بختیاری تا حدّ زیادی پرداخته شده و در بخشهایی از آن توضیحات گونه‌های ادبی عامه بختیاری بدرستی توضیح داده شده است. بعلاوه مطالبی دربارهٔ ترانه و نقش و جایگاه زن در این اثر ذکر شده است.

۳- علی حسین‌پور، «انعکاس کار و تلاش زنان بختیاری در ترانه‌های عامیانه و کودکانه»، فصلنامهٔ عشاير ذخاير انقلاب، سال دهم، شمارهٔ اول و دوم، پیاپی ۵۳ و ۵۴، ۱۳۸۶.

در مقالهٔ مذکور تعدادی از ترانه‌ها (ترانه‌های کار مانند چینی‌گری، مشگه دوسره و دسته‌یک از ترانه‌های کودکانه) آورده شده و پس از توضیحاتی، انعکاس کار و فعالیت در این ترانه‌ها بیان گشته که بیشتر آنها ساخته و پرداختهٔ زنان بوده است.

۴- عباس قنبری عدیوی، جستاری در فرهنگ و هنر بختیاری، ۱۳۹۰.

این اثر در دو فصل و در مجموع ده مقالهٔ مستقل، ولی بهم پیوسته تدوین شده است. در مقالات فصل دوم به بسیاری از ترانه‌های بختیاری پرداخته شده و نقش زنان و مردان در آن ترانه‌ها تا حدّ زیادی مورد بررسی قرار گرفته است.

ضرورت تحقیق

درخصوص ضرورت انجام تحقیق لازم بذکر است که با توسعهٔ فناوری و گسترش زبان معیار (فارسی معیار) از طریق رسانه‌ها و تبلیغات و مکالمات روزمره بیم آن میرود که بخش عمده‌یی از ادبیات شفاهی و فولکلوریک قوم بختیاری به فراموشی سپرده شود و همچنین خوانندگان و گویندگان این قبیل آثار ادبیات عامه شفاهی، بعلت مرگ و میر و یا تغییر ساختار زندگی از آن فاصله بگیرند؛ در چنین حالتی این ترانه‌ها که از میراث گذشتگان یک قوم کهن هستند به فراموشی و در نهایت نابودی کامل خواهند رسید.

از دیگر ضرورت‌های انجام این تحقیق، آشنایی و شناخت با فرهنگ و ادبیات یک قوم یا شاخهٔ بزرگ محلی از کشورمان است. از آن جایی که گویش و لهجه‌های متنوع مردم بختیاری ارتباط تنگاتنگی با زبان فارسی معیار دارد و به عقیدهٔ بسیاری از پژوهشگران، زبان بختیاری بسیار شبیه زبان دورهٔ پهلوی اشکانی است (میرزایی دره‌شوری، ۱۳۷۳: ۷۳؛ افشار سیستانی، ۱۳۶۷: ۴۵۳)، گره‌های حل‌نشدهٔ زیادی از زبان فارسی را باز خواهد کرد؛ حتی ریشهٔ بسیاری از واژگانی که در نسخه‌های خطی قدیم فارسی مجهول و بی‌پاسخ مانده است را از این طریق میتوان حل کرد و به پاسخی مطمئن رسید.

اهداف تحقیق

الف) هدف کلی یا اصلی

بررسی کارکرد، نقش و جایگاه زن در ادبیات شفاهی و بخصوص ترانه‌های بختیاری

ب) اهداف جزئی

- ۱- جمع‌آوری ترانه‌ها و اشعار عامه بختیاری
- ۲- دسته‌بندی و تنظیم ترانه‌های بختیاری براساس درون‌مایه
- ۳- آوانگاری ترانه‌ها براساس الفبای لاتین
- ۴- بیان معنی ابیات
- ۵- تجزیه و تحلیل ترانه‌ها بر مدار تعیین جایگاه و نقش زن در آنها.

روش تحقیق

نوشتار حاضر بشیوه کتابخانه‌یی و میدانی تدوین گشته است. در روش اول تا حد توان از کتابها و مقالات و منابع کتبی مرتبط با موضوع موردنظر استفاده شد و در روش دوم، با مراجعه به روستاها و مناطق گویشوران بختیاری، مطالب موردنظر (ترانه‌ها) جمع‌آوری گشت. اکثر این افراد، پیرمردان و پیرزنانی بودند که هنوز ادب شفاهی و گونه‌های مختلف ادبی را از گذشتگان خود در حافظه داشتند و خود را با آنها سرگرم میکردند. نگارنده با توجیه ایشان ترانه‌های موردنظر خود را از آن کهنسالان گرفته و سپس با استفاده از روشهای کتابخانه‌یی به شرح و تجزیه و تحلیل آنها پرداخت.

انواع ترانه‌های بختیاری

- ۱- ترانه‌های کار
- ۲- ترانه‌های رزمی و حماسی
- ۳- ترانه‌های بزمی و شادی (شادیانه‌ها)
- ۴- ترانه‌های کودکانه
- ۵- ترانه‌های عاشقانه و تغزلی
- ۶- ترانه‌های مذهبی و نیایشی
- ۷- ترانه‌هایی بصورت تک بیت
- ۸- سوگینه‌های بختیاری

هر کدام از موارد مذکور خود به چند دسته تقسیم میشوند. در ذیل تنها به تعریف و ذکر یک تک بیت از هر نوع ترانه بعنوان سند پرداخته میشود.

۱- ترانه‌های کار یا «کار دَنگ»

این ترانه‌ها در مواقع کار و انجام عملی از اعمال روزانه خوانده میشوند. ترانه‌های کار به چند دسته تقسیم میشوند: ترانه‌های صیادی یا شکار، ترانه‌های بافندگی، ترانه‌های کشاورزی، ترانه‌های دامداری و... در زیر به چند مورد از ترانه‌های کار اشاره میشود:

۱-۱- ترانه‌های صیادی: بختیارها بخاطر موقعیت جغرافیایی خاص و کوهستانی منطقه سکونتشان، همواره ارتباطی ناگستنی با امر شکار و صیادی داشته و شکار یکی از اعمالی بوده که برای رفع نیازهای خود به آن اقدام میکردند. «زمانی شکار کردن تنها وسیله زندگی کردن بود. بعدها کشاورزی بوجود آمد و آدمی غلات را شناخت و شکار کردن خود بصورت حرفه‌یی درآمد و عده‌یی صرفاً کارشان، صیادی بود که به آنها میرشکار میگفتند و این شغل از پدر به پسر به ارث میرسید» (فقیری، ۱۳۸۵: ۱۴۳).

نمونه‌یی از ترانه صیادی:

«پازن شاخ چمبری دویگ به دینس

هر دو دست میر صیاد اینه به خینس»

(لیرکی، ۱۳۹۰)

Pâzane šax čambarei do big be deines har do daste mir sayâd eyne be xeines

معنی: بز کوهی شاخ چمبری دو بزغاله به دنبالش هست، میر صیاد او را کشت و دو دستش به خون آن آغشته است.

۱-۲- ترانه‌های کشاورزی: در ترانه‌های کشاورزی که مراحل مختلف کشاورزی از کاشت تا برداشت را دربرمیگیرد، در هر مرحله از کار، ترانه‌هایی خاص سروده میشود؛ در ذیل به چند مورد از این ترانه اشاره میشود:

۱-۲-۱- ترانه شخم‌زدن: این ترانه در موقع شخم زدن و دانه در زمین پاشیدن خوانده میشود. یک کشاورز در حین دانه پاشیدن و شخم زدن، آن را با خود زمزمه میکند.

نمونه‌یی از ترانه شخم زدن:

«دلاتونِه پاک کُنین

و جو و گندم خاک کُنین

delâtune pk koneyn ow jo vo gandom xâk koneyn / /

مَـوِدِ بَر دَاشَت کِه اُو یَد
قَاطِرُونِ بَـارِ کُنِیْنِ»

(قادری، قدرت، ۱۳۹۰)

mavedeh bardâšt ko veyd qâterovne bâr koneyn

معنی: دل‌هایتان را پاک و خالص کنید و جو و گندم در خاک پاشید و موقع برداشت که آمد استرها (قاطر) را از جو و گندم بار کنید.

۱-۲-۲- ترانهٔ درو کردن: این ترانه در زمان درو کردن- که همزمان با ماههای اردیبهشت و خرداد است - سروده میشود. کشاورزان زمانی که با همکاران (هیاران) و دروگرهای همراه خود درو میکنند، ترانه‌هایی هم میسرایند تا انگیزهٔ کار کردن دو چندان شود. همچنین شنیدن نوای این ترانه‌ها بنوعی به آنها آرامش میدهد و باعث رفع خستگی‌شان میشود. نمونه‌یی از ترانهٔ درو کردن:

«بِیو رِیْم هَیاری بِه مَالِ بَـالا
غَـلِـه‌ها نَـچِیـدَه مَـنِـدِـن سَـرِـپَا»

(علاء‌الدین، ۱۳۷۲)

beyav reym hayârei be mâle bâlâ qaleha načidah manden sare pâ

معنی: بیا به محل یا مال بالایی برویم و آنجا با بقیهٔ دروگرها درو کنیم، میگویند غله‌ها و محصولات آنجا چیده نشده و مانده‌اند.

۱-۳- ترانه‌های دامداری: این ترانه‌ها در ارتباط با دامهای اهلی سروده میشود که کوچ‌نشینان همواره با آنها در ارتباط بوده و زندگی میکنند. ترانه‌های «گادوشی» و «مشک و دوغ‌زنی» از جمله ترانه‌های دامداری از نوع ترانه‌های کار میباشند.

۱-۳-۱- ترانه‌های گاو دوشی: این ترانه را فقط زنان، آن هم موقع دوشیدن گاو میسرایند و اعتقاد دارند که با سرودن این ترانه‌ها گاو عاطفیتز میشود و شیر بیشتری میدهد. نمونه‌یی از ترانهٔ گادوشی:

«گولوگولو گام اوود
جون به دَس پام اوود»

(سرلک، ۱۳۸۵: ۷۵)

gulu gulu gâm owed jun be dasseo pâm owed

معنی: گاوام به بهانه گوساله‌اش آمد و این آمدن او باعث شد که دست و پای من جان بگیرد و خوشحال بشوم.

۱-۳-۲. ترانه‌های مشک و دوغ‌زنی: این ترانه در زمان تهیه دوغ توسط زنان سروده میشود و زمان سرودن آن هم قبل از طلوع خورشید است. آنها معتقدند با سرودن این ترانه برکت دوغ و کره آنان زیاد میشود و متوجه زمان زیادی که صرف زدن دوغ میشود نیز نمیگردند و همچنین با سرودن این ترانه خستگی حاصل از این کار را فراموش میکنند.
نمونه‌یی از ترانه مشک و دوغ‌زنی:

«هَی دُو بَزَن کِه دِیْرُمِه
کُر کَچَلِه بِه شِیْرُمِه

hay do bezan ke deyrume kor kačale be šeirome //

هَی دُو بَزَن کِه دِیْرُمِه
اَفَسْرَخَان مِهْمُونِمِه

(اسماعیلی زاده، ۱۳۹۰)

hay do bezan ke deyrume afsar xân mehmonome //

معنی: ای دوغ بزَن که عجله دارم و پسر کچلم هنوز کوچک است، باید بروم و به او شیر بدهم. ای دوغ زودتر آماده شو چرا که عجله دارم و افسرخان مهمان من است، باید از تو ای دوغ! برای او پذیرایی کنم.

۱-۴. ترانه‌های بافندگی و چینی‌گری: این نوع ترانه در زمان بافتن و چیدن لوازم بافتنی و چینی‌گریهایی چون: قالی، فرش، گلیم، خوجین، سیاه چادر (بهون) و... سروده میشود.
نمونه‌یی از ترانه بافندگی و چینی‌گری:

«چَپ‌گَری چینی‌گری، چینی نه دار کرد

وِه نِه‌ا چینی گرون برید و تا کرد»

(حسین پور، ۱۳۸۶: ۱۶۰)

čap garičinigari činine dâr kerd ve nehâ činigarun borid o tâ kerd //

معنی: آن زن چپ‌گر و چینی‌گر- بافنده- بافتنی خود را به دار و آماده بافتن است. او به قدری ماهر و پر توان است که بافتنی خود را جلوتر از همه بافندگان تمام و جمع کرد.

۲- ترانه‌های رزمی و حماسی:

این ترانه‌ها در جنگها و درگیریهای بزرگ قوم بختیاری با مهاجمان یا شاهان مستبد و دیکتاتور روزگار سروده شده است که در این جنگها دلاوران و قهرمانان خود را - از دست داده‌اند- ستوده‌اند و به آنها افتخار میکنند. آنان بجهت تعصب زیادی که بر روی ایشان داشتند، بعد از گذشت چندین سال هنوز هم آن را زمزمه میکنند و یاد آنها را زنده نگه میدارند. در ذیل به دو ترانه از حماسه‌های علیمردان خان چهارلنگ در جنگ با رضاخان و نیز آعلی داد خدر سرخ اشاره میشود. آعلی داد- بزرگترین قهرمان بختیاری در جنگهای درون مرزی و برون مرزی- ناجوانمردانه توسط عموزادگانش کشته شد، ولی علی مردان خان چهارلنگ توسط عمال رژیم پهلوی به شهادت رسید.

نمونه‌یی از ترانه حماسی علی مردان چهارلنگ:

«دَدَر گَل سی کُشم پِلان بریدن

گویلم زداغ مو کمر بُریدن»

(پوره، ۱۳۸۱: ۱۲۸)

dodargal sei koştanom palane boreidan gaowyalom ze dâqe mo kamar boreiden

معنی: خواهرهایم بخاطر کشتنم، موهایشان را بریدن و برادرانم از داغ کشته شدن من کمرشان بریده شد و خیلی ناراحت شدند.

نمونه‌یی از ترانه حماسی آعلی داد خدر سرخ:

«بُرْدَنُم به مهمونی و سن به جونم

آ ایموم ز پشت سر زیمنه شوئم»

(خسروی، ۱۳۷۵: ۱۹۰)

bordenom be mehmunei vasn be jonom, â eymom ze pošte sar zey mšonom

معنی: آعلی داد خدر سرخ میگوید مرا به مهمانی دعوت کردند، اما امام قلی خان که میزبان بود به جانم افتاد و از پشت سر به میان شانه‌های من ضربه زد.

۳- ترانه‌های بزمی و شادی (شادپایانه‌ها)

این ترانه‌ها در جشنها و شادی و سرور و بخصوص در جشنهای عروسی خوانده میشوند. نحوه خواندن این ترانه‌ها بصورت تک‌خوان و گروه کُر (همخوانی) اجرا میشود؛ بطوری که یک نفر بعنوان سرگروه و تک‌خوان، بیتی را میخواند و بقیه بصورت گروهی بیت یا مصرعی تکراری را بعنوان جواب میخوانند.

از ترانه‌های بزمی و سرور میتوان به ترانه‌های «آهی گل»، «دووالالی» و «چل چله باد شمال» اشاره کرد. هر سه نوع بیان شده در جشن عروسی در مدح عروس و داماد و بستگان آنها سروده و خوانده میشوند.

نمونه‌یی از ترانهٔ آهی گل:

«برنجانه ز تو درارین سر تو خرمَن زَنین

دَهدویِلِ آقا دوماَد هَمَتو واکِلِ زَنین»

(قادری، مهناز، ۱۳۹۰)

berenjân ze tow derâreïn sar tow xarman zaniyn , dahdoyale âqâ domâd hamato va kel zaniyan
معنی: برنجه‌ها (برنجهای عروسی) را از درون انبار دریاورید و روی پشت بام جمع کنید به خواهرهای داماد هم بگویید همگی شادی کنید و کِل بزینید (چرا که جشن و شادی در راه است).
نمونه‌یی از ترانه دو والالی:

«دا مو ایگم رو مُو ایگم

هُوَنه داری خو بُکنُ

dâ mo eygom ru mo eygom , hovne dârey xo bekon

هُونه داری سُرفه سَنگین

یه کَنیز و ابام بکنُ»

(همانجا)

hovne dârey sorfe sangein , yâ kaniz va bâm bekon

معنی: نصیحت مادر به دختر: مادر جان میگویم! فرزندم میگویم! خانه‌دار خوبی باش.
جواب دختر به مادر: مادر! خانه‌داری و سفره‌های سنگین کار مشکلی هست پس یک کنیز به همراه من بفرست تا به خانه شوهر ببرم.

نمونه‌یی از ترانه چله‌چله باد شمال:

«کو ایـا کـوتـور ایـا گـودوم شکـاله

سـیل کـردم پُـشت سـرم دیم تیه کـاله»

(همانجا)

ko eyâ kotor eyâ godom šekâle seyl kerdom pošte sarom deim teiye kâle

معنی: چیزی شبیه صدای ریزش کوه و صخره‌های بزرگ احساس کردم، با خودم گفتم شاید بز کوهی یا حیوان شکاری دیگری راه می‌رود. اما پشت سرم نگاه کردم معشوقه‌یی را دیدم که دارای چشمان سیاه است.

۴- ترانه‌های کودکانه

کودکانه‌ها ترانه‌هایی هستند که مادران برای فرزندانشان زمزمه می‌کنند. در ادبیات عامه بختیاری، بخصوص ترانه‌های آن، عاطفیت‌ترین ترانه، همین ترانه‌های کودکانه است که باعث الفت و محبت بین مادران و کودکانشان می‌شود. «لالایی‌ها» معروفترین نوع ترانه‌های کودکانه هستند.

۴-۱- لالایی‌ها: لالاییها ترانه‌هایی هستند که مادران به‌نگام شب و در زمان خوابانیدن کودکانشان می‌سرایند. مهر و محبت مادر همراه باندا و آهنگ این ترانه‌ها کودکان را به خواب آرام رهسپار می‌کند. «در لالایی‌ها معمولاً طبیعت در فصلهای مختلف، کوچ ایل، حمله به دشمنان و انتقام از آنان توصیف می‌شود». نمونه‌یی از ترانه لالایی:

«سر کوه بلند فریاد اِکـرد

امیرالمؤمنین را یاد اِکـردم

sare kohe boland faryâd ekerdom , amir al momenin râ yad ekerdom

امیرالمؤمنین ای شاه مردم

دل ناشگونم ، شاد بگردن»

(اسماعیلی زاده، ۱۳۹۰)

amir al momenin ay šahe mardom dele nâšâde govnom šâd begardon

معنی: من سر کوه بلند فریاد زدم و امیرالمؤمنین - حضرت علی (ع) - را یاد می‌کردم. امیرالمؤمنین ای شاه مردم! دل من ناشاد است پس مرا شاد بگردان.

۵- ترانه‌های عاشقانه و تغزلی

در این نوع ترانه‌ها، مضمونها حول وصف معشوق زمینی می‌چرخد و عاشقان معشوقه‌های خود را میستایند و گاهی از آنها درخواستهایی میکنند که همراه با اصرار و التماس است. در این نوع ترانه‌ها هدف از وصف، ارج نهادن به معشوق و رسیدن به یار است. «بلال یا دی بلال» و «دانی دانی» از نمونه ترانه‌های عاشقانه و تغزلی هستند که در زیر به آنها اشاره میشود:

۵-۱. بلال: «بلال نامی است در بختیاری که نماد گل لاله است و نیز نام ترانه‌ی معروف در فرهنگ موسیقایی بختیاری میباشد» (مددی، ۱۳۸۶: ۱۳۹). بلال عاشقانه‌ترین ترانه در ادب عامه بختیاری است؛ زیرا در اینگونه ادبی، عاشق، عشق محض زمینی خود را به معشوق بطور واضح و سریع بیان میکند و از ابهام‌گویی و بیان کنایه‌آمیز پرهیز میکند. در ابیات این ترانه، معشوق-در بیشتر مواقع زنان هستند- در زمینه‌هایی همچون اخلاق، رفتار و ظاهر جذاب وصف میشود. نمونه‌ی از ترانه بلال:

آرزم رَهده به باد گُلِ خُو کُنه شی

هو ز مو عاشق تره نیاره واری

(قادری، قدرت، ۱۳۹۰)

ârezum rahde be bâd gol xo kone šei , hoze mo âseqtare neyareh va reiy

معنی: آرزوم بر باد رفته است؛ چرا که، معشوقه میخواهد ازدواج کند، او از من عاشقتر است اما به روی خود نمی‌آورد و دوست داشتن خود را از من پنهان میکند.

۵-۲. ترانه دانی دانی: دانی دانی هم از جمله ترانه‌های عاشقانه است که در وصف معشوق خوانده میشود و دارای نغمه و آهنگی زیباست، معنای «دانی دانی» یک یکدانه است (پوره، ۱۳۸۱: ۱۷۴). این نام خود دال بر عشق زیاد به معشوق است و آن را فقط منحصر به یک نفر میداند. این ترانه به صورت تک خوان و گروه کُر (همخوانی) خوانده میشود؛ بگونه‌ی که، یک نفر که صدای خوبی دارد بصورت تکخوان بیتهای غیر تکراری میخواند و دیگران بصورت گروهی مصرعی تکراری در جواب میخوانند.

نمونه‌ی از ترانه دانی دانی:

«شوو مه تُرک وُرک ویدم کِل مال دانی

سو غاتی خُم سیت آوردُم گوی سِر دسمال دانی»

šaww ve ma toroko vorok veydom kele mâl dâni, soqâti xom sit averdom guy sare dasmal dâni

مصرع تکراری: آخی دانی دانی دَرِت، قُربون پَلَل زردت

(همان: ۱۷۴-۱۷۵)

axey dâni dâni dârdet qorbune palale zardet

معنی: در شب مهتابی پاورچین پاورچین به ده شما آمدم، دیدم تو خواب هستی. برایت هدیه‌یی آوردم تا بر روی دستمال بدوزی. ای یکی یکدانه من، قربان موهای زرد تو شوم.

۶- ترانه‌های مذهبی و نیایشی

در این نوع ترانه‌ها مردم از صمیم قلب چیزی را از خدا طلب میکنند و یا برای همدیگر دعا و نیایش میکنند. در این گونه ادبی خداپرستی و اعتقاد به ائمه اطهار موج میزند. بیشتر این ترانه‌ها بصورت دسته‌جمعی و گروهی خوانده میشوند. کمتر پیش می‌آید که یک نفر به تنهایی در قالب ترانه دعا یا نیایش کند. از نمونه‌های این نوع میتوان از «هلله کوسه»- ترانه‌یی برای بارش باران- و «آهی گل» در قالب دعا نام برد.

۶-۱- ترانه هلله کوسه: این ترانه زمانی سروده میشود که مردم نیاز به باران دارند و برای پرورش دامها و کشاورزی خود با کمبود آب مواجه هستند.

نحوه اجرای این ترانه به اینصورت است: گروهی از جوانان دور هم جمع میشوند و یک نفر را بعنوان سرگروه انتخاب میکنند و به او شکل و هیبت خاصی میدهند و در دستش زنگوله‌یی و کوله‌پشتی برای جمع‌آوری هدایایی میدهند. او بعنوان سرگروه یا «کوسه» انتخاب میشود و در هنگام شب که معمولاً مصادف با آذرماه است- با سرودن ترانه به در خانه‌ها میروند و مردم هم به آنها هدیه‌یی میدهند؛ زیرا اعتقاد دارند با این ترانه‌سرایی و نیایش کردن باران میبارد. کوسه یا سرگروه ابیاتی غیرتکراری میخواند و بقیه همراهان، بیت یا مصرعی تکراری را بعنوان جواب به او بیان میدارند.

نمونه‌یی از ترانه‌های هلله کوسه:

ه ا ر ه ا ر ه ا ر و ن ک ی

خ د ا ب ز ن ب ا ر و ن ک ی

hâr hâr hârunaki , xodâ bezan bârunaki

ب ا ر و ن ب ز ن ب ن ک ی

ه ا ر ه ا ر ه ا ر و ن ک ی

(همان: ۳۵)

bârun bezan tontonaki, hâr hâr hârunki

معنی: هارهارارونکی (نوعی صوت یا نام آواست) خداوند باران کمی بزن. خدایا باران نرم و آرامی بزن، هارهارارونکی.

۲-۶- ترانه نیایشی در قالب دووالالی: در این ترانه از خداوند برای دیگران آرزوی خوشبختی، سعادت، صاحب فرزند پسر شدن، گشایش بخت دختران و... درخواست میشود. نمونه‌یی از ترانه‌های نیایشی در قالب دووالالی:

«خدا خدا خدا خدا»

یسه مـــــــرادی به دلم

xodâ xodâ xodâ xodâ , ya moradey be delom

یسه کُـــــــری بده

یسه مُـــــــراد حاصلم «

(قادری، مهناز، ۱۳۹۰)

ya korey bedeh be , yo morâdeh hâselom

معنی: خدایا! خدایا! خدایا! خدایا! یک مراد و آرزویی در دلم هست. یک پسری بده... و این آرزوی نهایی من است. (در جای خالی نام هر فرد بدون پسری را میتوان بکار برد).

۷- ترانه‌های تک بیته (مفرد)

در ادبیات فولکلوریک بختیاری نوعی از تک‌بیته وجود دارد که عموماً بصورت ضرب‌المثل یا چیستان رایج شده‌اند و حاوی مطالب اخلاقی و تعلیمی هستند. مردم در ارتباط کلامی و شفاهی خود بوفور از آنها استفاده میکنند. سراینده این تک‌بیته معلوم نیست و از گذشته دور در میان مردم بختیاری رایج بود و کاربرد داشته است. در زیر به نمونه‌هایی از آنها اشاره میکنیم.

«آر بهیگ نیدم»

امّا بهیگِلِ مَرْدُمِ دیدم»

(فروتن، ۱۳۸۳: ۱۹)

ar bahig nidom amâ bahigale mardome didom

معنی: اگر عروس نیستم، ولی عروسهای مردم را دیده‌ام. (اگر خودم در کاری تجربه حاصل نکرده‌ام ولیکن از تجارب دیگران استفاده کرده‌ام).

«دا، سی دختر خُنه کرده بَنم دا به رُسویی ، دختر به سرانجم»

(سرلک، ۱۳۸۱: ۳۱۲)

dâ si doxtâr xone kerda bannom , dâ be rosavâi doxtar be saranjom

معنی: مادر برای دختر، خود را بدنام کرده است، مادر رسوا شده و دختر به سرانجام رسیده است. (فداکاری مادر برای فرزند).

۸- سوگینه‌های بختیاری

سوگینه‌های بختیاری گونه‌یی از اشعار بختیاری هستند که در قسمت ترانه‌ها جای نمیگیرند اما بجهت اینکه ساخته و پرداخته زنان هستند آنها را در اینجا جزو دسته الحاقی ترانه‌ها آورده‌ایم. زنان این اشعار را در سوگ از دست‌رفتگان خود بخصوص، بزرگان و جوانان ناکام میسرایند. نمونه‌یی از سوگینه‌های بختیاری:

یه زن شازه زنی تُرنه هِواری

چهرسته مَحوا گِرد به سایه داری»

(قادری، گلی، ۱۳۹۰)

ya zanei šâze zanei torne hevârei, jahreste mahvâ gered be sâyê dârey

معنی: یک زنی مثل زنان شاهزاده که گیسوانش بلند و آرام بود، از مسیر اصلی کوچ خود منحرف شده و در زیر درختی پناه گرفته تا کمی استراحت بکند.

نقش و جایگاه زن در ترانه‌های بختیاری

۱- ترانه‌های کار و انواع آن

۱-۱- ترانه بافندگی و چینی‌گری: زنان در این ترانه، سراینده، گوینده و بیان‌کننده هستند. نقش و جایگاه آنان در این ترانه بعنوان یک هنرمند یا یک عضو فعال اقتصادی در خانواده نمایان است. ۱-۲- ترانه کشاورزی از نوع هیاری: این ترانه سروده و ساخته مردان است، اما نقش و جایگاه زنان در آن بعنوان یک عضو اقتصادی فعال و کسی که در امر کشاورزی و درو کردن همیار و همراه مردان است، قابل توجه است.

۱-۳- ترانه‌های دامداری: این ترانه خود به دو دسته تقسیم میشود:

۱-۳-۱- ترانه مشگه دوسره: زنان در این ترانه، گوینده، سراینده و بیان‌کننده هستند. نقش و جایگاه آنان در این ترانه بعنوان یک فعال اقتصادی و کسی است که آرزوها و خواسته‌هایی دارد و آرزوهای خود را

در صورتی قابل برآورده شدن میداند که آن عمل (مشک دوغزنی) را بدرستی انجام دهد.

۱-۳-۲- ترانه گاودوشی: زنان در این ترانه، گوینده، سراینده و بیان‌کننده هستند. نقش و جایگاه آنان در این ترانه را میتوان جایگاه یک فعال اقتصادی و جایگاهی حیوان دوست و کسی که حقوق حیوانات را رعایت میکند معرفی کرد.

۱-۴- ترانه صیادی: این ترانه هم سروده زنان و هم سروده و ساخته مردان است که در مورد صیادان و شکارچیان میباشد. نقش و جایگاه زنان در این ترانه، نقش یک همیار و کسی است که آماده‌کننده زاد و توشه شکارچی و صیاد است و همچنین کسی که با سرودن این ترانه، یاد و نام صیادان و میرصیادان را زنده نگه میدارد.

۲- ترانه‌های رزمی و حماسی

۱-۲- ترانه حماسی علی مردان خان چهارلنگ: این ترانه سروده مردان است. نقش و جایگاه زنان در این ترانه این است که با «کل» زدن انگیزه‌دهنده به جنگجویان و رزمندگان هستند و همچنین با شیون و گریه و زاری خود، یاد و خاطره بزرگان را برای نسلهای بعد زنده نگه میدارند.

۲-۲- ترانه حماسی آعلی داد خدر سرخ: این ترانه سروده مردان و از زبان «آعلی داد» بصورت ساختگی بیان شده است. نقش و جایگاه زنان در این ترانه، عزادار بودن و زنده نگه داشتن یاد آن پهلوان دلیر و دیگر پهلوانان و قهرمانان همانند اوست. از دیگر جایگاه آنان میتوان به اثبات‌کننده بیگناهی «آعلی داد» یا هر مظلوم دیگر و گناهکاری همچون «حسین قلی خان و امام قلی خان» اشاره کرد.

۳- ترانه‌های بزمی و شادی (شادیانه‌ها)

۱-۳- ترانه شادی دووالالی: این ترانه، ساخته و سروده زنان است. نقش و جایگاه زنان در این ترانه نقشی وصفی یا توصیف‌کننده و ویژگیها و خصایل نیک عروس و داماد و بستگان آنان است. همچنین از دیگر نقشهای مهم زنان، دادن انگیزه به جوانان برای ازدواج است.

۲-۳- ترانه شادی آهی گل: این ترانه هم مانند ترانه «دووالالی» ساخته و پرداخته زنان است. نقش و جایگاه زنان در این ترانه همانند ترانه «دووالالی» است.

۳-۳- ترانه چله باد شمال: سراینده این ترانه هم زنان و هم مردان هستند. نقش و جایگاه زنان در این ترانه، مثبت است و نقش توصیف‌شدگانی را دارند که از زبان مردان به نیکی توصیف

شده‌اند. عشق مردان به آنان عشقی پاک و وفای به عهد است؛ علاوه بر آن خواسته بر جسته مردان از زنان در این ترانه وفاداری زنان است.

۴- ترانه‌های کودکانه

۴-۱- لالیها: زنان بویژه گروه مادران، سازنده و گوینده این نوع ادبی هستند. نقش و جایگاه زنان در این ترانه‌ها، القاء‌کننده حس عاطفی، مادری و آرامش‌دهنده به کودکان است. مادران در این گونه ادبی، معرفان فرهنگ دینی و بومی به فرزندان خود در قالب ترانه «لالی» هستند.

۴-۲- ترانه نوازشی کودک: همانند لالیها زنان سازنده و گوینده این نوع ترانه هستند و نقش و جایگاه آنان در این ترانه، نوازنده و آرامش‌دهنده به فرزندان خود می‌باشد. البته ناگفته نماند جایگاه پسران در این ترانه‌ها برتر

از دختران است (سبب این برتری، نوع فعالیت تأثیرگذار پسران در زندگی کوچ‌نشینی است). از جایگاه دیگر زنان در این ترانه، دادن روحیه اعتماد به نفس به کودکان و اجتماعی بار آوردن آنان است.

۴-۳- ترانه بازی با کودک: سراینده و گوینده این ترانه نیز زنان هستند. نقش و جایگاه زنان در این ترانه، نقش مادران در حیطه عاطفی و سرگرم‌کننده کودکان است، همچنین این سراینده‌گان کسانی هستند که با نقش دادن به فرزندان، آنان را آرام آرام وارد دنیای جدید می‌کنند.

۵- ترانه‌های عاشقانه و تغزلی

۵-۱- ترانه عاشقانه بلال: سراینده این ترانه مردان هستند. نقش و جایگاه زنان در این ترانه، این است که معشوق زمینی مردان محسوب می‌شوند.

مردان در این ترانه به توصیف زنان و زیباییهایشان می‌پردازند و از آنها انواع درخواست را دارند. جلوه‌گاه اصلی عشق مردان به زنان در این ترانه بارز و نمایان است.

۵-۲- ترانه عاشقانه دانی دانی: سراینده این ترانه مردان هستند. نقش و جایگاه زنان در این ترانه، بصورت یک معشوقه قابل تکریم و احترام است که مردان به آنان عشق پاک خود را ابراز می‌دارند. جایگاه زنان در این ترانه، جایگاهی پاک و مقدس است و ارزش وجودیشان در این ترانه قابل مشاهده است و توصیف به نیک‌سرشتی شده‌اند.

۶- ترانه‌های نیایشی و مذهبی

۱-۶- ترانه نیایشی هلهله کوسه: این ترانه سروده و ساخته مردان است. نقش و جایگاه زنان در این ترانه، نقش دعاکنندگان و نیایش‌گرانی است که برای رونق زندگی، دامداری و کشاورزی خود دعا میکنند تا از سوی خدا باران نازل شود و وضعیتشان متحول گردد.

۲-۶- ترانه دووالالی با درونمایه نیایشی: سراینده و گوینده این ترانه زنان هستند. نقش و جایگاه آنان در این ترانه، جایگاهی والا و نقشی شکرگذار، نوع دوست و خیرخواه میباشد؛ زیرا آنان بجای دیگران و برای دیگران به پیشگاه خداوند دعا و نیایش میکنند و آرزوها و خواسته‌های دیگران را از خداوند طلب میکنند.

۷- ترانه‌های تک بیتی (مفرد)

سراینده و گوینده این ابیات مجزا از هم- که محتوایی همسان دارند- هر دو گروه مردان و زنان هستند. بیشتر این بیتها بصورت ضرب‌المثل، زبانزد، چیستان و... در میان فرهنگ عامه بختیاری بکار میرود و شهرت آنها به حدی است که جزء زبانزدها بشمار میروند. در اکثر این ابیات، جایگاه زن، جایگاهی خانه‌دار و کدبانو توصیف شده است و جهت بهتر عمل کردن در کارهای روزمره مدام در این ترانه‌ها، تویخ یا تعریف و تمجید شده‌اند. نقش زن در این نوع ترانه علاوه بر سازندگی و گویندگی، نقشی مسئولیت‌پذیر و اجراکننده بسیاری از امور در خانواده و اجتماع (کوچ نشینی) است.

۸- سوگینه‌های بختیاری (گاه گریوه، دُندال)

سراینده و گوینده این اشعار زنان هستند. نقش و جایگاه زنان در این اشعار، عزادار بودن و زنده نگه‌دارنده یاد و خاطره عزیزان و از دست‌رفتگان است که با زنده نگه‌داشتن این سنت، اتحاد و همبستگی را در میان طوایف و مردم گسترش میدهند.

در مجموع، زنان در ارتباط با بسیاری از ترانه‌ها، سازنده، گوینده، سراینده و بکاربرنده آنها هستند و جایگاه آنان جایگاهی مثبت و والا میباشد- بجز ترانه عاشقانه «بلال» که جایگاه و ارزش وجودی زن بخاطر نیت زمینی مردان از آنان، جایگاهی منفی متصور شده است- و نقش آنان نقشی سازنده و تأثیرگذار در امور اجتماعی، فرهنگی، مذهبی، تعلیمی و آموزشی و... است.

نتیجه‌گیری

همانطور که گفته شد، در حالت کلی ترانه‌ها به هشت دسته اصلی تقسیم شده‌اند که هر کدام دارای چند نوع هستند. زنان در این میان خود سازنده بسیاری از انواع ترانه‌ها هستند و در نوعی هم که سروده مردان است، نقش زنان در آن مشخص و قابل توجه است. در مجموع زنان در این ترانه‌ها انتقال‌دهندگان و نگهدارندگان فرهنگ بومی، ملی و مذهبی هستند و یکی از علت‌های باقی ماندن این نوع ادبی، نقل روزمره و سینه به سینه آن از طریق زنان در کارهای روزمره است. نقل روزمره و سینه به سینه آنها از طریق زنان در کارهای روزمره است.

منابع

- افشار سیستانی، ایرج؛ مقدمه‌ای بر شناخت ایلها، چادر نشینان و طوایف عشایری ایران، تهران: انتشارات مؤلف، ۱۳۶۷.
- پوره، کاظم؛ موسیقی و ترانه‌های بختیاری، تهران: انتشارات آزان، ۱۳۸۱.
- حسین پور، علی؛ «انعکاس کار و تلاش زنان بختیاری در ترانه‌های عامیانه و کودکانه»، فصلنامه عشایری ذخایر انقلاب، سال دهم، شماره اول و دوم، شماره پیاپی ۵۳ و ۵۴، ۱۳۶۸.
- خسروی، عبدالعلی (قائد بختیاری)؛ فرهنگ و ادبیات بختیاری «کتاب سوم»، شهرکرد: انتشارات ایل با همکاری انتشارات غزل، ۱۳۷۵.
- سرلک، رضا؛ واژه‌نامه گویش بختیاری چهارلنگ، تهران: فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی، ۱۳۸۱.
- _____؛ آداب و رسوم و فرهنگ عامه ایل بختیاری چهارلنگ، تهران: انتشارات طهوری، ۱۳۸۵.
- قنبری عدیوی، عباس؛ گفت و گفت، شهرکرد: انتشارات مرید، ۱۳۸۵.
- _____؛ جستاری در فرهنگ و هنر بختیاری، شهرکرد: انتشارات نیوشه، ۱۳۹۰.
- فروتن، فریبرز؛ گنجینه منتهای بختیاری، اهواز: انتشارات صمد، ۱۳۸۳.
- فقیری، ابوالقاسم؛ سیری در ترانه‌های محلی با تکیه بر گوشه‌هایی از ترانه‌های فارسی، شیراز: انتشارات نوید، ۱۳۸۵.
- مددی، حسین؛ نماد در فرهنگ بختیاری، اهواز: انتشارات مهزیار، ۱۳۸۶.
- میرزایی دره‌شویی، غلامرضا؛ بختیاریها و قاجاریه، شهرکرد: انتشارات ایل، ۱۳۷۳.

منابع شفاهی

- علاءالدین، بهمن (مسعود بختیاری) (۱۳۷۲)، «ترانه هیاری»، کاست: تاراز، بکوشش منصور قنادپور، تهیه و ضبط شرکت آواز جنوب (کاست صوتی).
- اسماعیلی‌زاده، شهربانو، متولد ۱۳۲۰، خانه‌دار، شوشتر، روستای کوله‌جاز قدیم، ۱۳۹۰/۷/۱۰.
- قادری، گلی، متولد ۱۳۴۹، خانه‌دار، شوشتر، شهرک سه راه گتوند، ۱۳۹۰/۷/۱۵.
- قادری، مهناز، متولد ۱۳۴۱، خانه‌دار، شوشتر، شهر شرافت، ۱۳۹۰/۷/۳۰.
- قادری، قدرت، متولد ۱۳۴۱، مداح، شوشتر، شهر شرافت، ۱۳۹۰/۸/۵.
- لیرکی، پنج‌شنبه، ۱۳۳۰، شکارچی، شهرستان اندیکا، منطقه عشایری کُتک، ۱۳۹۰/۸/۱۰.